

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه تکاثر

استاد ضرابی آذر ۱۳۹۹

جلسه دوم ۹۹/۹/۱۴

آیه شریفه : «أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ (۱) - تفاخر به بیشتر داشتن شما را غافل داشت (۱)»  
عنوان : اولین و آخرین آیه

با عنایت به اینکه محتوای اولین آیه، همه آن چیزی است که در این سوره شرح می‌شود و بار دیگر در آخرین آیه با بیانی دیگر بطور موجز و خلاصه آمده، محتوای معرفتی «الهکم التکاثر» با «لتسئلن یومئذ عن النعم» منطبق است؛ زیرا «لهو» به معنی «سرگرم شدن به کارهای کوچک و غافل ماندن از اهداف و کارهای مهم»، همان چیزی است که انسان را از مقصد اصلی باز می‌دارد.

مقصودی که انسان از آن باز می‌ماند نیز همان نعمتی است که خداوند از آن سؤال می‌کند و آن نعمت ولایت است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اللَّهُ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ يُطْعِمَكُمْ طَعَامًا فَيَسْأَلَكُمْ عَنْهُ وَ لَكِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ عَنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بِنَا هَلْ عَرَفْتُمُوهَا وَ قُمْتُمْ بِحَقِّهَا - خدا کریم‌تر از این است که خوراکی به شما دهد و شما را از آن بازخواست کند. ولی شما همه نسبت به نعمت وجود ما مسئولیت دارید که آیا آن را شناختید و حقش را ادا کردید؟» (مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۴۸)

هر که خواهد همنشینی با خدا      او نشیند در کنار اولیاء

عنوان : حق معرفت و حق محبت و اطاعت

انسان تا غایت و مقصد وجود خود را نشناسد چگونه می‌تواند بفهمد تا چه اندازه از مقصود عقب افتاده و تا چه اندازه بیراه رفته است؟ معرفت به حق اهل بیت (علیهم السلام) یعنی اینکه با جان و دل به این حقیقت رسیده باشیم که آنها ارکان دین، استوانه‌های علم و یقین، حجت‌های بالغه الهی، میزان و معیار سعادت و نیکبختی، مانع عذاب الهی، مخزن اسرار خداوندی، تجلی اسماء و صفات الهی، عصاره نظام هستی، و هدف نهایی خلقت هستند.

درباره حق معرفت امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: بِنَا عُبْدَ اللَّهِ وَ بِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَ بِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - بَرِيدِ عَجَلِي كَوَيْد: شنیدم امام باقر (علیه السلام) می‌فرمود: بوسیله ما خدا پرستیده شد و بوسیله ما خدا شناخته شد و بوسیله ما خدا یگانه دانسته شد تبارک و تعالی، و محمد پرده دار خدای تبارک و تعالی است. (تا واسطه میان او و مخلوقش باشد)» (اصول کافی / ج ۱ ص ۴۱۹)

درباره حق محبت و مودت، حق طاعت، حق تاسی و تبعیت، خداوند می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ- بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد و خداوند آمرزنده مهربان است.» (آل عمران، ۳۱)

دل جایگاه عشق تو باشد نه غیرتو این خانه خداست به شیطان نمی‌دهم

### عنوان : انفاق در مقابل تکاثر

در مقابل سرگرم شدن به جمع و تحصیل اموری که بقایی برای آن نیست مانند شهرت، قدرت، ثروت (تکاثر: از ماده کثرت به معنی تفاخر و مباحات و فخرفروشی بر یکدیگر)، انفاق در راه خدا قرار دارد.

یعنی هزینه کردن عمر، سرمایه‌ها، امکانات و استعدادها در راه خدا که به کمال روح و ثروت‌های معنوی می‌انجامد، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در نگاه

برخی، ثروتمندترین فرد زمانه خود بود؛ چرا که اکثر نخلستان‌های محیط زندگانی آن حضرت به دستان مبارک خود او غرس شده بود اما همه می‌دانستند که آن حضرت به وقت حصاد و درویدن محصول، همه را بین فقراء تقسیم خواهد کرد مگر مثنی که به عنوان سهم خوراک خود و خانواده‌اش می‌شد و اگر قناتی حفر می‌کرد تا آب نخلستان‌ها را با آن تأمین کند، با همه زحمتی که متحمل می‌شد، بخصوص وقتی که بر سر راه حفر قنات، به سنگ بزرگی برخورد می‌کرد با آن همه عرق ریختن‌ها و برداشتن سنگ از مسیر راه، تا چشمش به آب می‌افتاد که از دل زمین می‌جوشد، صدایش به تکبیر بلند می‌شد که الله اکبر و قفت لله (این قنات را در راه خدا وقف کردم) و این نبود مگر برای تحصیل کمال انقطاع و قدرت گذاشتن و گذشتن از دنیا.

خیر کن با خلق بهر ایزدت      یا برای راحتِ جان خودت

امام علی (علیه السلام) فرمود «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، مَتَاعُ الدُّنْيَا حُطَامٌ مُوبِئٌ فَتَجَنَّبُوا مَرَعَاهُ! قُلْعَتُهَا أَحْطَى مِنْ طُمَأْنِينَتِهَا، وَ بُلْعَتُهَا أَرْكَى مِنْ ثَرَوَاتِهَا. حُكْمٌ عَلَى مُكْثِرٍ بِالْفَأْقَةِ، وَ أَعْيَنَ مَنْ غَنِيَ عَنْهَا بِالرَّاحَةِ... - ای مردم! متاع دنیا همچون گیاهان خشکیده «وباخیز» است بنابراین از چنین چراگاهی دوری کنید. دل کندن از آن لذت بخش تر است از دل بستن و اعتماد به آن، و استفاده از آن به مقدار نیاز بهتر است از جمع کردن و انباشتن ثروت آن. کسی که از آن بسیار گردآوری کند محکوم به فقر و نیازمندی است و هر آن کس از آن بی نیازی جوید به آسایش و آرامش خود کمک کرده است. کسی که زر و زیورهای دنیا در نظرش شگفت انگیز باشد قلب او نابینا می شود ...» (حکمت ۳۶۷ نهج البلاغه)

**عنوان: مؤمن با چشم عبرت به دنیا می نگرد**

به راستی تنها کسی دست به انفاق اموال و سرمایه عمرش در راه خدا می‌زند که اهل ایمان باشد:

مزرع سبز فلك دیدم و داس مه نو یادم از کشته ی خویش آمد و هنگام درو امام(علیه السلام) فرمود: «وَإِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الإِعْتِبَارِ، وَيَقْتَاتُ مِنْهَا بِبَطْنِ الإِضْطِرَارِ، وَ يَسْمَعُ فِيهَا بِأُذُنِ المَقْتِ وَ الإِبْغَاضِ، إِنْ قِيلَ أَتْرَى قِيلَ أَكْدَى! وَإِنْ فُرِحَ لَهُ بِالبَقَاءِ حُزِنَ لَهُ بِالفَنَاءِ! هَذَا وَ لَمْ يَأْتِهِمْ "يَوْمٌ فِيهِ يُبْلِسُونَ" - انسان مؤمن، تنها با چشم عبرت به دنیا می نگرد، از مواهب آن به مقدار ضرورت بهره می گیرد و آهنگ دلربای آن را با بغض و نفرت می شنود. هرگاه گفته شود فلان کس توانگر شد (دیری نمی باید که) گفته می شود بدبخت و بی نوا گشت و هرگاه مردم از فکر بقای او (در این جهان) شاد شوند (چیزی نمی گذرد که) خبر مرگ او آن ها را محزون می کند. این حال دنیای آنهاست و هنوز روزی که در آن به راستی غمگین و مأیوس شوند (روز رستاخیز) فرانسیده است.» ( حکمت ۳۶۷ نهج البلاغه)

امیر مؤمنان فرمود: «دعيتم الى الامر الواضح. فلا يصم عن ذلك الا اصم، و لا يعمى عن ذلك الا اعمى - شما به یک امر روشن دعوت شده اید، پس ناشنوای حقیقی کسی است که آن نصایح را نشنود و نابینای واقعی کسی است که خود را از بینایی به آن حقایق تجربه شده و نصایح محروم بسازد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶) بر لب جوی نشین و گذر عمر ببین کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس